

روز سینما فقط روز نام آشنایان هنر هفتم نیست

23 شهریور 1404

همین ابتدای نوشته بگویم که دلم با فیلم‌های پرفروش این سال‌های سینمای ایران نیست. البته غیر از پیرپسر! بگویم که من هم معتقدم حال سینمای ایران خوب نیست، اما کنار افرادی که روز سینما در موزه سینما پشت تریبون رفتند و انگار نقش بازی کردند، هم نمی‌ایستم.

نمی‌خواهم بگویم کار بدی کردند. نکرده‌اند. حق دارند از باورشان به هر شکلی که صلاح می‌دانند، دفاع کنند، اما من و امثال من هم حق داریم که حرف بزنیم. بگویم حال سینما اگر بد است بخشی‌اش به خاطر به‌موقع حرف نزدن خیلی از کسانی است که می‌گویند حال سینما بد است. از آن مهم‌تر این است که انگار سینما را هنری می‌دانند که دیگران هر کاری بخواهند با آن می‌کنند و هنرمند فیلمساز موجود دست و پا بسته‌ای است که مطیع فرمان او است. انگار خیال می‌کنند برای فیلم خوب نیاز به شرایط خوب است. اشتباه نکنید نمی‌خواهم ماله بکشم روی زشتی‌های شرایط موجود که اگر هم بخواهم، نمی‌توانم. گمان هم نبرید که درویش مسلحانه پی بدبختی و زجر برای فیلمسازان و هنرمندانم! نه! اصلاً چنین باوری ندارم، اما فیلم‌های خوب دهه شصت آثار ارزشمند جعفر پناهی و فیلم‌هایی که در تاریخ سینما در شرایط دشوار ساخته شده‌اند، نشان می‌دهد این حکومت‌ها نیستند که مسیر سینما را مشخص می‌کنند.

هنرمند اگر توان داشته باشد و بخواهد بهترین‌ها را در شرایط دشوار خلق می‌کند (راه دور نرویم بین آثار اصغر فرهادی کدام فیلم‌ها بهترند، فیلم‌هایی که در ایران با بودجه اندک و بگو و نگوهای فراوان ساخته یا...) باز هم اشتباه نکنید، نمی‌خواهم بگویم بودجه و آزادی نباشد بهتر است. نه! نه! اینها ضرورت زندگی انسانی است. در هرم مازلو هم در ردیف اول احتیاجات آدم است. اما تاریخ سینما و تاریخ هنر نشان داده هنرمند در شرایط سخت هم کار خودش را می‌کند. آنهایی که روی سن رفتند ردیف جلو نشستند و حرف زدند (حرف‌هایی که درست هم هست. بله ترانه علیدوستی و باران کوثری و پانته‌آ بهرام و... بازیگران خوبی هستند، اما اگر بازیگران بدی هم بودند نباید به خاطر رفتار و موضع سیاسی‌شان از سینما حذف شوند. همان‌طور که سعید مطلبی و فردین و... نباید حذف می‌شدند) اما حرف درست که حمایت از سینمای مستقل هم بخشی از آن بود دیر هم نباشد کامل نیست سینما همه سینماست. حتی آن فیلم‌های بفروشی که چرخ سینما را می‌چرخاند هم بخشی از سینماست. انتخاب مخاطب هم هست. چرا به خواست مخاطب احترام نمی‌گذاریم. پا بدهد خودمان در این فیلم‌ها بازی می‌کنیم، اما... تصمیم‌گیر درباره سینما باید تماشاچی و درباره کشور باید مردم باشند. اشتباه هم بکنند خودشان اصلاح می‌کنند. سینمای مستقل و هنرمند خلاق مثل همیشه تاوانی دهد؛

اما... بگذریم و بروم سر خط:

روز سینما فقط روز نام آشنایان هنر هفتم نیست. روز همه دل سوختگانی است که سینما رویای بزرگشان بود و با سینما پیر شدند.

روز سیاهی لشکرهای کوچه سرخپوست‌ها که همه چیزشان سینما بود. روز شاه غلام، عمو منصور،

علي آقا و... که توي سينما همه کاري کردند. روز بچه‌هاي پاپتي و نداري که پول تماشايي فيلم نداشتند و جلوي در مي‌ايستادند تا چند نفري پول روي هم بگذارند و دل کنترلچي جلوي در را به رحم بياورند و با هم داخل سينما شوند. داخل شوند و کل راهرو را بدون تا زودتر به فيلم برسند. روز همه کساني که اولين باري که وارد سينما شدند آنقدر مجذوب نوري که از آپاراتخانه بيرون مي‌زد و تصوير روي پرده شدند که يادشان رفته بستني براي خوردن دارند و... روز سينما روز همه کساني است که عاشقانه پاي سينما ايستادند و نشستند و جا نزدند.

روز سينما فقط روز کساني نيست که کاري براي خوب کردن حال سينما نمي‌کنند. روز جعفر پناهي است که در هر شرايطي فيلمش را مي‌سازد. روز کيانوش عياري است که خواننده محبوبش کسي است که مردم را شاد و حال مردم را خوب مي‌کند و بازيگر موردنظرش بيک ايمانوردي است که هيچ منتقدي از بازي‌اش تعريف نکرده است.

***حسن لطفی – منتقد سينما**